

مقاله پرسش مهر ۹۷

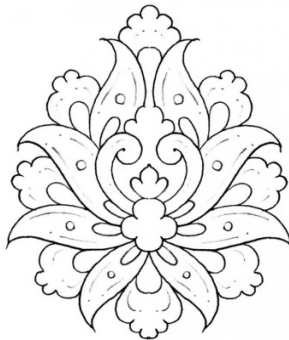
در سال گذشته چه مهارت‌هایی در مدرسه آموخته اید و برای امسال در این زمینه چه انتظاراتی دارید؟

موضوع

آموزش شهروندی، حقوق شهروندی و مهارت های زندگی
در مدارس با تاکید بر ضرورت و اهمیت آموزش

تنظیم کننده :

مهر ۹۷



الله
الرحمن الرحيم



چکیده

مدرسه از مهمترین مکان هایی است که به واسطه آن و با یک برنامه ریزی درست و حساب شده می توان مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی را به دانش آموزان آموزش داد. اهمیت آن به حدی است که از آن به خانواده دوم یاد کرده اند رسیدن به حد مطلوب و مورد نظر نشان دهنده کارایی بیرونی مدارس و نظام آموزش و پرورش می باشد. در این مقاله سعی بر این شده است که مفاهیمی از شهروند، شهروندی، حقوق شهروندی، و توضیحات تکمیلی نظیر ضرورت و چگونگی آموزش آنها از طریق نظام آموزشی بیان می شود؛ تا بر اسس آن بتوان اهمیت آگاهی از این حقوق را برای دانش آموزان و معلمان و دست اندر کاران آموزش و پرورش توجیه کرد. برای این کار از روش کتابخانه ای استفاده شده است. بر اسس مطالب این مقاله می توان بیان کرد در صورتی ما به حقوق شهروندی دست می یابیم که ابتدا از آنها مطلع شویم و سپس تمام تلاش و همت خود را برای عملی کردن آنها به کار بریم. این کار مستلزم همکاری نهادهای مختلفی از جمله خانواده، مدرسه و دولت می باشد که هر کدام از این نهادها نیز وظایف خاص خود را دارند. در این مقاله بیشتر بر نظام آموزشی و مدرسه تاکید شده است؛ چرا که یکی از وظایف مهم مدارس انتقال دانش، مفاهیم و مهارتهای مورد نظر به دانش آموزان می باشد.

کلید واژگان: شهروند، شهروندی، حقوق شهروندی، نظام آموزشی

مقدمه و بیان مسئله

واژه شهروند معادل واژه انگلیسی Citizen است که در آن واحد می تواند دارای دو مفهوم باشد. نخست مفهومی که دارای یک منشا تاریخی است، یعنی زمانی که انقلاب های سیاسی بورژوازی در قرن نوزدهم اتفاق افتاد و دولت های جدیدی به وجود آمدند که مدعی شدند مشروعیت خود را دیگر نه همچون دولت های گذشته از بالا (از کلیسا یا از اشرافیت) بلکه از پایین یعنی از «مردم» یا «ملت» می گیرند. از این زمان شهروند به معنی واحد تشکیل دهنده مردم یا ملت است. در این معنا شهروند یک مفهوم کاملاً سیاسی و حقوقی است که در قوانین تمام دولت های ملی به آن اشاره شده است. این واحد اجتماعی بر اساس گروهی از قراردادهای اجتماعی یا همان قوانین گوناگونی که در حوزه های مختلف زندگی وجود دارد با دولت پیوند می خورد. مفهوم شهروند معنای دیگری نیز دارد که این معنا بیشتر در کشور ما (ایران) رایج است. در این معنا، به هر یک از ساکنان شهر می توان شهروند گفت زیرا در چارچوب حقوقی و سیاسی گروهی از وظایف و حقوق تعریف شده قرار می گیرند.

لازم به ذکر است که با وجود تمدن بزرگ و کهن کشور ایران و تلاشی که برای تربیت انسان والا وجود داشته است، از مفهوم "شهروند" در طی دوران مختلف تاریخی استفاده نشده است. به عبارت دیگر آنچه در لفظ و کلام یا به صورت حقوق رسمی موجود نبوده است در هنجارهای اجتماعی دوره های مختلف تاریخی جود داشته است که قدیمی ترین الگوی آن نیز از تعلیمات زرتشتی الهام گرفته شده بود.

به هر حال به همان سان که وجود تفکرات و الگوهای شهروندی در غرب به برابری و تساوی افراد نیانجامیده است، عدم الگوی نهادینه شده شهروندی در ایران و وجود حکومت های استبدادی نیز مانع خصوصیات مانند تعاون، خودگردانی محلی، پذیرش مسئولیت، وطن پرستی و سایر ارزشهای اخلاقی هنجاری شده بودند که مجموعه آدمیت انسان مدنی را تشکیل می دهند. در ایران اولین آشنایی با حقوق شهروندی و ارزشهای آن با انقلاب مشروطیت آغاز شد و با وجود گذشت سالهای طولانی و تجربه کردن انقلاب بزرگتر و تغییرات بسیار در اندیشه ها هنوز نمی توان گفت در زمینه ی حقوق و تکالیف شهروندی آگاهی عمومی و صحیحی وجود دارد. بنابراین تا زمانی که آگاهی وجود نداشته باشد شناخت و وظایف و امکان انجام تکالیف وجود نخواهد داشت (آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۵).

یکی از مسائل مهمی که در رابطه با مفهوم شهروندی و شهروندی وجود دارد این است که چگونه می توان آن را تعلیم و آموزش داد تا بر اساس آن شاهد اجرای صحیح آن در جامعه و شناخت وظایف و تکالیف مبتنی بر آن بود. در این رابطه صاحب نظران مدرسه را بهترین مکان برای آموزش و تعلیم این مقوله می دانند. آنها معتقدند چون مدرسه بعد از خانه دومین محیطی است که کودکان و نوجوانان قسمت اعظم وقت خود را در آن سپری می کنند، و نقش مهمی در رشد شخصیت و انتقال دانش و مهارت های زندگی به آنها دارد، در نتیجه آشنایی با شهروندی و شهروندی نیز از جمله مهارتهایی است که در مدرسه باید آموزش داده شود و دانش آموزان رده های مختلف تحصیلی باید حقوق، تکالیف و مسئولیتهای شهروندی را در مدرسه فراگیرند. به عبارت دیگر گنجانیدن مطالب مهم و ضروری در مورد حقوق شهروندی براساس اصول و قواعد در برنامه درسی و کاربردی ساختن آنها توسط نظام آموزش و پرورش حاکم بر هر کشوری، افراد متعهد و مسئول و آگاه را پرورش خواهد داد که خواهند توانست نظام نماینده - شهروندی را (که نظامی عادل و قانونمند است) بنا نهند؛ نظامی که افراد جامعه در آن حق آزادی، حق مشارکت، حق انتخاب و... را داشته باشند. برخی از صاحب نظران نیز ضرورت آموزش شهروندی را پرورش قابلیت های در فرد که با افراد دیگر جامعه همزیستی اجتماعی سالمی پیدا کنند می دانند. در واقع فرد با آموزش هایی که در زمینه ی حقوق شهروندی از طریق نظام آموزشی و مدارس دریافت می کنند به فردی مستقل که دارای حس مسئولیتهای اخلاقی و اجتماعی رشد یافته ای باشد تبدیل شود و عضو سودمندی برای جامعه گردد. به همین دلیل آشنا شدن با این حقوق و ضرورت آموزش آنها به شهروندان، مزایای زیادی می تواند داشته باشد. بنابراین آموزش حقوق شهروندی در مدارس ضرورت پیدا خواهد کرد.

پیشینه تحقیق

شهروندی به نقل از آشوری (۱۳۷۳: ۲۲۱) فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف هایی به عهده دارد. یا به تعبیر گیدنز؛ به عضو یک اجتماع سیاسی که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است (به نقل از حقیقی، ۱۳۶۵). همچنین وی برای حقوق شهروندی تعاریف زیر را عنوان نموده است.

آنتونی گیدنز: حقوق مدنی را حقوق قانونی همه ی شهروندانی می داند که در اجتماع ملی معینی زندگی می کنند (۱۳۶۷: ۷۹۵).

تی. اچ. مارشال (۱۳۷۳) سه نوع حق در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص داده است:

- حقوق مدنی: به حقوق فرد در قانون اطلاق میشود. این حقوق شامل امتیازاتی است که بسیاری از ما امروز آن را بدیهی می دانیم اما بدست آوردن آنها زمانی دراز طول می کشید. حقوق مدنی شامل: آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می کنند، آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.

- حقوق سیاسی: به ویژه حق شرکت در انتخاب شدن، رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می شود. این حقوق شامل، مزایای بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی در صورت بی کاری و تعیین حداقل سطح دستمزد است.

از آنجا که آموزش شهروندی برای آماده کردن دانش آموزان و افراد از نظر دانش کافی و درک تاریخ ملی و ساختارهای زندگی سیاسی و مدنی تلاش می کند، متوجه خواهیم شد که آموزش شهروندی تنها به آموزشهای مدرسه ای محدود نمی شود بلکه باید درون خانواده، مدرسه، جامعه و محل کار و به وسیله ی سایر نهادها و بنیادهای اجتماعی به صورت آموزش تا پایان عمر افراد ارائه شود (آقازاده، ۱۳۸۵).

یو و فنگ^۱ نیز معتقدند که بر پایه لیبرالیسم و شخصی گرایی، حقوق فردی یکی از دو بعد آموزش و پرورش شهروندی است در حالی که التزام (وظیفه) به عنوان نتیجه میهن پرستی بعد دیگر آموزش و پرورش شهروندی می باشد (یو و فنگ، ۲۰۱۰).

در پژوهشی که دکتر لویسی شهیدی (۱۳۸۵) با عنوان "نوآوری در آموزش، زندگی به شیوه شهروندی را چگونه می توان آموخت"، مطالبی در مورد حقوق شهروندی و آموزش آن آورده است. وی در ابتدا سه نوع حقوق اصلی را که حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اجتماعی - اقتصادی می باشد را مطرح کرده که امروزه به منزله ی یک امر جهانی تلقی شده که قابل تفکیک می باشند و از نظر اخلاقی سودمند و قابل بهره وری هستند. چنانکه می نویسد:

^۱ - yu & feng

اولین دسته ی این حقوق (حقوق مدنی)، آزادی های زیر را شامل می شود، آزادی فردی، آزادی افکار و اعتقادات، آزادی بیان، آزادی تحرک، برخورداری از قانونمندی و عدالت.

دسته ی دوم (حقوق سیاسی): شامل آن دسته از آزادیهای فردی است که می تواند یکی از اجتماعات یا احزاب سیاسی وابسته باشد. همچنین با انتخابات رهبران و کنترل سیاسی و قضایی در راه تمرین قدرت مشارکت کند.

دسته ی سوم (حقوق اجتماعی - اقتصادی): عبارتند از امنیت جانی، امنیت مالی، همچنین دارا بودن حق زندگی به مانند یک فرد متمدن و برخورداری از حق آموزشی و تحصیل، عدالت اجتماعی و اقتصادی..

"آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان" مقاله ی دیگری است که توسط دکتر حسین لطف آبادی در سال ۱۳۸۵ نوشته شده است. وی در مقاله ی خود به مواردی از جمله معنای شهروندی، آموزش شهروندی در مدرسه و آموزش فلسفه و روش تفکر درست شهروندی پرداخته است.

شهروند و شهروندی

شهروند^۱ "فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی بر خوردار از حقوق سیاسی و مدنی است، و از سویی دیگر در برابر دولت تکلیف هایی به عهده دارد" (آشوری: ۱۳۷۳، ص ۲۲۱ نقل در حقیقی).

شهروندی^۲ "منزلی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می شوند. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه ی شهروندی گویند. که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می کند. اساسا کسی "شهروند" شمرده می شود که تنها فرمان گزار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری طبیعی نیز بر خوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می کند و معمولا تابع دو چیز است: یکی زادگاه، و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز بدست می آید. اما اینگونه شهروندی معمولا همه حقوق شهروندی (از جمله کسب مشاغل دولتی) را با خود نمی آورد (آشوری: ۱۳۷۳: ۲۲۲، نقل در حقیقی).

^۱ . citizen

^۲ . citizenship